

اگر یک صدم بودجه‌ای که صرف ایجاد شغل برای اتباع بیگانه می‌شود، صرف خروج آنها از کشور گردد، برای بسیاری از جوانان کشورمان اشتغال ایجاد خواهد شد. البته در این محاسبات، منافعی که کارگر افغانی به صورت ارزش افزوده برای اقتصاد ایران ایجاد می‌کند، در نظر گرفته نمی‌شود.

### پاداش خروج از ایران

اما آن دسته از مهاجرین افغانی که به صورت رسمی سامان‌دهی شده‌اند، زیر چتر حمایتی دولت ایران قرار دارند. آنها از نظر اشتغال، تحصیل و خدمات مورد نیاز بهداشتی و درمانی و حتی امور قضایی تحت نظارت و حمایت دولت ایران بوده و از حقوق شهروندی مانند دیگر شهروندان ایرانی برخوردارند. با توجه به توافقات و هماهنگی‌های کمیساری عالی امور پناهندگان و مهاجران سازمان ملل متحد با دو دولت افغانستان و ایران، قرار است زمینه‌های بازگشت اتباع افغان به کشورشان فراهم شود. در این راستا، کارت‌های مدت‌داری برای بازگشت افغان‌ها به کشورشان صادر شده است. یک سری از کارت‌ها با عنوان کارت عادی، تا ابتدای شهریور امسال به افغان‌ها برای بازگشت به کشورشان مهلت داده بود. کارت دیگر، کارت ویژه طلاب و اتباع

افغانی است که همسرانی اختیار کرده‌اند. به این گروه برای خروج از ایران تا اول اسفند سال جاری فرصت داده شده است. در این میان، خروج داوطلبانه اتباع افغان از خاک ایران، مزایایی چون انتقال رایگان و در اختیار قرار دادن مقداری پول (حدود ۳۰ تا ۵۰ دلار) به همراه دارد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی اداره کل اتباع خارجی وزارت کشور، از ابتدای سال جاری تا پایان مرداد ماه، هفت هزار و ۹۶۱ نفر از افغان‌ها به طور داوطلبانه خاک ایران را ترک کرده‌اند. همچنین ۱۲۳ هزار و ۶۹۸ افغانی از مرز دوغارون و میلک طرد شده‌اند. این در حالی است که بازگرداندن و طرد افغان‌ها بدون کارت اقامت، با بیشترین مشکلات و هزینه‌ها روبه‌رو است. به گفته آذربایجان، ۵۰ هزار مهاجر افغانی تاکنون سامان‌دهی نشده‌اند که شناسایی و بازگرداندن آنها، زمان و هزینه مضاعفی را می‌طلبد. وی در ادامه بر لزوم همکاری مردم و کارفرمایان با وزارت کشور تأکید کرده و در این زمینه می‌گوید: «تازمانی که مردم همکاری لازم را با مسوولان مربوطه نداشته باشند، بازگشت افغان‌ها به کشورشان از سرعت چندانی برخوردار نخواهد بود.»

### نیروی کار ارزان

به نظر می‌رسد تا زمانی که استفاده از نیروی کار افغانی از کیفیت بالاتر و هزینه کمتری به نسبت نیروی کار داخلی برخوردار است و به خاطر پرداختی پایین و دردهای کمتر با استقبال کارفرمایان روبه‌رو می‌شود، نمی‌توان به بازگشت همه افغان‌ها به کشورشان امیدوار بود. این در حالی است که از مهر ماه امسال، استخدام نیروی کار خارجی غیرمجاز بیکرد قانونی داشته و علاوه بر برخورد با تبعه خارجی، کارفرما نیز موظف به پرداخت جریمه خواهد بود؛ جریمه‌ای پنج برابر حداقل دستمزد روزانه کارگران به ازای هر روز استخدام آنها. از سوی دیگر، به مردم و



## به خانه برمی‌گردیم!

### افغان‌ها سالانه ۲ تریلیون تومان پول از ایران خارج می‌کنند.

آذربایجان، رییس اداره اتباع خارجی استانداری تهران، تنها ۲۸۷ هزار تبعه افغانی دارای کارت اقامت هستند.

### هزینه اشتغال افغان‌ها

مهاجران افغانی در حالی سهم قابل توجهی از اشتغال را در برخی استان‌ها مانند تهران، اصفهان، فارس، کرمان، قم و زاهدان در اختیار دارند که تعداد زیادی از جوانان ایرانی از فقدان کار رنج می‌برند. ولی مشاغل سطح پایین و سختی که افغان‌ها عمدتاً به آن مشغولند، مانند حفر چاه و کار در اعماق زمین، کارهای ساختمانی، نگهداری کارخانجات و غیره، خیلی با اقبال جوانان ایرانی مواجه نمی‌شود.

بر اساس آمارهای رسمی، کارگران افغانی سالانه دو تریلیون تومان با سیستم بالشی و بدون پرداخت عوارض و حقوق گمرکی از ایران خارج می‌کنند. به علاوه، با توجه به این که ایجاد هر فرصت شغلی در کشورمان ۲۰ میلیون تومان هزینه دربردارد، زیان فعالیت و اشتغال بیش از یک میلیون افغانی در بازار کار ایران به بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. محمد حسن صالحی مرام با تأکید بر نکته فوق، دلایل استفاده کارفرمایان ایرانی از اتباع غیرمجاز خارجی به ویژه افغان‌ها را ورود گسترده و کنترل نشده اتباع خارجی به کشور، در دسترس بودن و ارزانی کارگران خارجی، عدم آشنایی برخی از کارفرمایان با قوانین کشور، ناآشنایی کارگران خارجی با مقررات و حقوق قانونی خود و دیگر موارد مشابه عنوان می‌کند. به گفته وی، در استان تهران سالانه بیش از هفت هزار میلیارد ریال صرف ایجاد اشتغال برای اتباع بیگانه می‌شود.

سعید سیاری، مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی غرب استان تهران، با اشاره به این نکته که هزینه ایجاد شغل برای هر یک از اتباع بیگانه در استان تهران ۱۰۰ میلیون ریال است، به خبرنگار «اقتصاد ایران» می‌گوید:

از لهجه‌اش می‌توانستی تشخیص دهی که اهل کجاست. قد متوسط، چشم‌های کوچک و گونه‌های مسطح او هم بر این حدس صحه می‌گذاشتند. دست‌هایش خبر از رنج‌های کاری دادند. وقتی صحبت از کارت هویت شد، فرغون آجرها را به سمت ساختمان نیمه‌کاره به حرکت درآورد. او تنها یکی از ده‌ها هزار تبعه افغانی است که به صورت غیر قانونی در ایران کار می‌کنند.

### مهاجرت: رایج‌ترین شکل اقامت

تابعیت، پناهندگی و مهاجرت، اشکال گوناگون اقامت در کشورها هستند که بنا به شرایط و نیازهای افراد متقاضی و دولت‌های پذیرنده، اخذ می‌شوند. در این میان، تابعیت از شرایط پذیرش بسیار سختی برخوردار است. پناهندگی نیز بر طبق بند ۲ قطعنامه پناهندگی سرزمینی سازمان ملل متحد (۱۹۶۷)، به کسانی اعطا می‌شود که به خاطر نقض اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر، حیات و جسم و جان و آزادی‌شان در معرض خطر است و صلاحیت پناه جستن را دارند. با توجه به اصلاحیه سال ۱۹۷۷ قطعنامه یاد شده، کسانی که به دلایل صرفاً اقتصادی درخواست پناهندگی و اقامت در کشور دیگری را می‌کنند، پذیرفته نمی‌شوند. شاید به همین دلیل، مهاجران غیرقانونی در کشورها مانند مهاجران افغانی در ایران بسیار زیاد هستند. به گفته سفیر افغانستان، ایران پس از پاکستان، دارای بیشترین مهاجر افغانی است. آقای سید محمد صالحی مرام، معاون امور اتباع خارجی وزارت کار و امور اجتماعی، تعداد افغان‌ها رسمی و غیر رسمی موجود در ایران را یک میلیون نفر اعلام می‌کند. به گفته وی، استان تهران بیشترین تمرکز جمعیتی مهاجران افغانی را به خود اختصاص داده است، به طوری که حدود ۵۰۰ هزار افغانی در این استان به کار مشغولند. در این میان، به گفته آقای

افغان‌ها برای بازگشت سریع به کشورشان خبر می‌دهد. وی در ادامه می‌افزاید: «پس از این مهلت، دولت محدودیت‌های جدیدی در مورد شغل و بر خورداری افغان‌ها از خدمات شهری اعمال خواهد کرد.»

اعلام شده، باید ۵۰ هزار افغانی تا پایان سال ۸۵ خاک ایران را ترک کنند. حسینی محورهای تصمیم‌گیری احتمالی دولت ایران را «ایجاد محدودیت‌های جدید» و «حتی اعزام به یک کشور ثالث» اعلام می‌نماید و از مهلتی سه ماهه به

کارفرمایان باید درباره آسیب‌های استفاده از اتباع افغانی غیرمجاز آگاهی داده شود. البته راهکارهای تشویقی از سوی وزارت کار برای ترغیب کارفرمایان به عدم استفاده از اتباع خارجی غیرمجاز از جمله افغان‌ها در نظر گرفته شده است. به گفته صالحی مرام، در صورتی که کارفرمایی نسبت به اخراج کارگر خارجی غیرمجاز و استخدام نیروی کار داخلی اقدام کند، بر اساس ماده ۴۹ قانون برنامه سوم توسعه تنفیذی در ماده ۱۰۳ قانون برنامه چهارم توسعه، تا پایان این برنامه از پرداخت سهم بیمه کارفرما معاف خواهد شد. به گفته وی، انتظار می‌رود در صورت تأمین اعتبار این طرح، بیش از ۸۰ هزار تبعه خارجی غیرمجاز شناسایی و از کشور خارج شوند.

## از تحقیر تا خودکشی

### وضعیت زنان در افغانستان همچنان نگران‌کننده است.



فشارها بر زنان افغانی، بسیاری از دختران جوان دست به خودکشی می‌زنند، به طوری که هر ماه ده‌ها مورد از خودکشی زنان و دختران جوان در ایالت هرات و شهرهای همجوار آن به پلیس گزارش می‌شود. این آمارها از آن جهت تکان‌دهنده هستند که در زمان حاکمیت طالبان، نرخ خودکشی زنان و دختران جوان به مراتب کمتر از زمان حاضر بود. یکی از کارکنان یک سازمان غیردولتی بین‌المللی مستقر در کابل به یک سازمان عفو بین‌المللی گفته است: «اگر در زمان طالبان زنی به بازار می‌رفت و عضوی از بدنش نمایان می‌شد، شلاق می‌خورد. ولی حالا با این کار مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد.»

حتی استقرار هزاران نیروی نظامی خارجی در خاک افغانستان باعث نشده تا زنان احساس امنیت بیشتری بکنند، به طوری که زنان افغانی همچنان مجبورند برای در امان ماندن از خطرهای مختلفی که در کمین آنها قرار دارد، چادرهای تمام‌قد موسوم به «بورنا» که اعضای بدن آنها را به طور کامل می‌پوشاند، بر سر بکشند. در این میان، با وجودی که دولت کرزای اقدام به تأسیس وزارت زنان کرده است، اما این اقدام بیشتر در جهت سرپوشی بر ظلم و ستم‌های فراوانی است که بر این قشر ضعیف جامعه افغان‌ها وارد می‌شود، چرا که این وزارتخانه از زمان تأسیس تا به حال، هیچ کاری برای زنان افغانی انجام نداده و بودجه‌های کلانی هم که به آن اختصاص داده می‌شود، همچون کمک‌های سازمان‌های غیردولتی خارجی، توسط افراد متنفذ کابینه کرزای به یغما می‌رود.

در هر صورت، با وجودی که جنگ علیه تروریسم آمریکا، رژیم طالبان را از قدرت ساقط کرد، اما موفق نشد بنیادگرایی را در افغانستان ریشه کن کند؛ به ویژه این که با بازگرداندن فرماندهان جهادی بر اریکه قدرت، تنها یک رژیم بنیادگرا با رژیم بنیادگرای دیگری جایگزین شده است.

در زمان کنترل طالبان بر افغانستان، «برابری» واژه عجیب و غریبی برای زنان این سرزمین به شمار می‌رفت. در واقع، هنگامی که ارتش آمریکا در ۱۷ اکتبر سال ۲۰۰۱ بمباران خاک افغانستان را آغاز نمود، کاخ سفید یکی از دلایل توجیه براندازی رژیم طالبان را ظلم و تعدی بیشمار این گروه بر حقوق زنان افغانی برشمرد. درست پنج هفته بعد از حمله آمریکا به خاک افغانستان، لارا بوش، همسر پرزیدنت بوش، پیروزمندانه در نطقی اظهار داشت: «به خاطر موفقیت‌های نظامی اخیر مادر بیشتر خاک افغانستان، از این پس زنان این کشور در خانه‌هایشان محبوس نخواهند ماند. در حقیقت، جنگ علیه تروریسم، جنگ برای حقوق زنان نیز هست.»

اما بر اساس گزارش ۶ اکتبر سال ۲۰۰۳ سازمان عفو بین‌الملل، تصویر متفاوتی از وضعیت زنان افغانی به نمایش گذاشته شد. در بخشی از این گزارش چنین آمده است: «دو سال بعد از پایان حاکمیت طالبان بر افغانستان، هم جامعه بین‌الملل و هم دولت انتقالی افغانستان به رهبری حامد کرزای، ثابت کرده‌اند که توانایی حمایت از حقوق زنان افغانی را ندارند، زیرا هنوز هم در این کشور خطر تجاوز به عنف و خشونت‌های جنسی توسط گروه‌های مسلح و چریک‌های سابق علیه زنان بسیار بالا می‌باشد. به علاوه، ازدواج‌های اجباری به ویژه در مورد دختر بچه‌ها و خشونت علیه زنان در خانواده‌ها در بیشتر نقاط افغانستان همچنان رواج دارد. به طور کلی، موقعیت زنان در افغانستان همچنان نگران‌کننده باقی مانده است. در واقع، درست است که دختران و زنان در کابل و برخی شهرهای افغانستان برای رفتن به مدرسه و یافتن شغل از آزادی عمل نسبی برخوردار شده‌اند، ولی این وضعیت شامل حال همه دختران و زنان افغانی نشده است.»

بسیاری از زنان افغانی هنوز هیچگونه دسترسی به آموزش نداشته و حق کار کردن در سازمان‌های غیردولتی خارجی یا دفاتر سازمان ملل متحد و سایر واحدها و ادارات دولتی را ندارند. همچنین زنان افغانستان نمی‌توانند رانندگی تاکسی را بر عهده داشته باشند و یا بدون همراهی یکی از آشنایان و وابستگان نزدیک در خیابان قدم بزنند. اگر زنی با مرد غریبه‌ای در خیابان قدم بزند، پلیس می‌تواند آنها را دستگیر کرده و برای اثبات این که آنها با یکدیگر اخیراً روابط نامشروع داشته و یا نداشته‌اند، آنها را به مراکز درمانی مخصوص به منظور انجام آزمایشات پزشکی لازم معرفی نماید. آمارها نشان می‌دهند که به دلیل ادامه

### بهبان‌ها

اگرچه در دیدار سه جانبه ایران، افغانستان و کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل، دولت افغانستان متعهد به انجام اقداماتی جهت فراهم کردن زمینه‌های بازگشت مهاجران افغانی به کشورشان شده است، اما با توجه به مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی این کشور، هنوز انگیزه قوی برای بازگشت مهاجران به کشورشان وجود ندارد. در مقابل، آنها برای ماندن در ایران بهانه‌های زیادی دارند. در حال حاضر عواملی چون عدم امنیت کافی، کمبود و گرانی زمین زراعی، تصرف زمین‌های کشاورزی مردم به دست چریک‌ها و مبارزان جهادی، سطح پایین اشتغال، کندی روند بازسازی کشور، وضعیت نامناسب زیرساخت‌ها و صنایع زیربنایی، پایین بودن رفاه اجتماعی و خدمات شهری، فقدان خدمات بهداشتی و درمانی کافی و وضعیت نامناسب سیستم آموزشی به عنوان بخشی از مهمترین مشکلاتی که افغان‌ها در بازگشت به کشورشان با آنها دست به گریبان خواهند بود، آنها را به ماندن در ایران ترغیب می‌کند. در مقابل، وجود مزیت‌ها و جذابیت‌هایی چون دسترسی سریع به بازار کار، درآمد مناسب، امکان تحصیل، خدمات درمانی و بهداشتی گسترده، دسترسی به امکانات زیربنایی ارزان مانند آب، برق، گاز و تلفن، شبکه و خدمات شهری مناسب، گزینش مسکن، آزادی در اجرای مراسم مذهبی، امنیت اجتماعی، عدم احساس تبعیض و استفاده از یارانه‌های دولتی توزیع شده در محصولات، چون آب، نان و بنزین، ترک ایران را برای افغان‌ها سخت نموده است.

### محدودیت‌های جدید

افغان‌ها باید در مورد وضعیتشان در ایران تصمیم بگیرند، در غیر این صورت دولت ایران برای آنها تصمیم‌گیری خواهد کرد. آقای احمد حسینی، مدیر کل اتباع و مهاجران بیگانه وزارت کشور، در حالی این جمله را در کنفرانس خبری خود اعلام می‌کند که دو سال قبل، آخرین مهلت وزارت کشور برای خروج افغان‌ها از ایران، پایان سال ۸۴ اعلام شده بود. اما تنها بخش اندکی از افغان‌ها در سال گذشته به کشورشان بازگردانده شدند. آمار پنج ماهه ابتدای سال جاری نیز از بازگشت تنها هشت هزار مهاجر افغان به کشورشان حکایت دارد. حال آن که بر اساس برنامه از پیش